

سنجش میزان آگاهی دهیاران از اصول مدیریت نوین روستایی
(مطالعه موردی: بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان)

دکتر سعدی محمدی*

دکتر سعدی محمدی استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، مریوان، ایران

بیان عبداللهی

بیان عبداللهی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور، مریوان، ایران

چکیده

مدیریت نوین روستایی باید علاوه بردارای اصول مدیریت همانند: رهبری، برنامه ریزی و سازماندهی و... بایستی معیارهایی همچون: جامع نگر و جمع گرایی، انعطاف پذیری و ابتکار گرایی، مشارکت جویی و... را در خود داشته باشد تا بتواند به جذب مشارکت مردم محلی، توانمند سازی آنها و توسعه ظرفیتی روستاییان اقدام نمایند. بر این اساس دهیاری ها که مهمترین بازوی اجرایی شوراهای اسلامی می باشند، به عنوان نماد مدیریت نوین و نوگرا قلمداد می شوند باید به کلیه خصیصه های مدیریت نوگرا آگاهی داشته باشند تا بتوانند با پیاده سازی اصول مدیریت نوین در جهت توسعه پایدار روستایی گام بردارند. در این راستا پژوهش کاربردی حاضر با این هدف انجام و سطح آگاهی های دهیاران بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان مورد سنجش واقع گردید. جامعه آماری این پژوهش مشتمل بر دو گروه دهیاران ۱۸ روستای بخش و روستائیان ساکن در این روستاها می باشد. که در ارتباط با دهیاران از روش تمام شماری و در گروه روستائیان با بهره گیری از فرمول کوکران ۱۷۵ پرسشنامه به صورت طبقه ای در روستاها و به صورت تصادفی در بین روستائیان توزیع گردید. نتایج پژوهش نشان از متفاوت بودن دیدگاه دوگروه دارد به گونه ای دهیاران بر آگاهی خود بر شاخصه های مدیریت نوین روستایی معتقدند اما در مقابل مردم محلی به این امر اعتقاد ندارند.

واژگان کلیدی: سنجش، مدیریت نوین روستایی، دهیاران، بخش خاوومیرآباد، شهرستان مریوان

نویسنده ی مسئول: دکتر سعدی محمدی استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، مریوان، ایران

ایمیل: saadi@pnu.ac.ir

مقدمه و طرح مساله:

نیل به اهداف توسعه روستایی که معمولا ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را در بر می گیرد (عناستانی و جوانشیری، ۱۳۹۱: ۱) در فرایند برنامه ریزی و توسعه روستایی مدیریت، جایگاه و نقش بسیار مهمی دارد و بدون یک مدیریت مشروع و کارآمد اهداف توسعه روستایی تحقق نخواهد یافت (لطیفه، ۱۳۹۱: ۲) نقش مدیریت در توسعه روستایی از این نظر حائز اهمیت است که اگر ما توسعه را حاصل یک فرایند همجوشی ترکیبی از عناصر سرمایه، نیروی انسانی، منابع طبیعی، بازار و... بدانیم، مدیریت وظیفه برنامه ریزی و هماهنگی بین این عناصر را برعهده دارد (عظمی، ۱۳۸۴: ۸۹). در واقع مدیریت مطلوب پتانسیل بالقوه ای جهت تسریع در مسیر دستیابی به توسعه روستایی است (Haarlem, 2002, 11) چرا که در ساده ترین تعریف: مدیریت، هنر انجام کار به وسیله مردمی است که هم هدف و هم وسیله دستیابی به توسعه محسوب می شوند (Nnia, 2013, 145). مدیریت روستایی همزمان با پیدایش اولین روستاها آغاز شده است و در طول تاریخ با توجه به مقتضیات زمانی، مکانی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی تغییر کرده است (بدری، ۱۳۹۰: ۱۴۸) اما با توجه به شرایط جدید عصر حاضر، راهبرد نوین و نوگرایی مدیریت روستایی باید به سمت و سوی مشارکتی (با مردم و برای مردم) و محلی بودن باشد (pahuja, 2015, 43) و به این نکته مهم توجه کند که دستیابی به توسعه پایدار منوط به افزایش ظرفیت های مردم در تمام امور است (یگانه و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۳). امروزه در فرآیند جدید مدیریت توسعه روستایی، به بازیگران اصلی صحنه مدیریت یعنی سه نهاد مردم، دولت و بازار توجه می شود و اینها با نهاد سازی های لازم و هماهنگی با شیوه مشارکتی در فرآیند برنامه های توسعه روستایی (تدوین، اجرا، نظارت و ارزیابی) مشارکت و حضور فعال دارند. (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۸).

در دوران حاضر شوراهای اسلامی به همراهی دهیاری ها که می توان از آنها به عنوان بازوهای اجرایی شوراها نام برد؛ وظیفه مدیریت روستاها را برعهده دارند. انتظار آن است که روستاها با برخورداری از سازمان دموکراتیک محلی توسعه نیافتگی موجود را تا اندازه ای به سمت توسعه یافتگی هدایت نمایند (جاجرمی، ۱۳۸۸، ۹۴). باید توجه داشت زمانی که از توسعه روستایی سخن به میان آورده می شود، منظور توسعه مستمر و مداوم یا پایدار است که توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۳ اینگونه تعریف شده است: توسعه ای که نیازهای نسل کنونی را برآورده نماید، بدون اینکه توانایی نسل آینده را در تامین نیازهایش محدود سازد (joshi, 2007, 8). مدیریت جدید روستایی افزون بر ایجاد توسعه محلی، محلی عمل کردن را می آموزد و تمامی این موارد با جمعی عمل کردن میسر می گردد. مدیریت جدید مداوم در تلاش برای کسب قدرت و جایگاه برای جوامع محلی است تا یک نظم جدید جمعی برای روستاها ایجاد نماید و تقسیم بسیار عادلانه قدرت و منافع توسعه در محل زندگی فراهم گردد. در چنین مدیریتی استثنا طلبی پذیرفته نمی شود زیرا مدیریت

دارای مفهوم کلی سازندگی است (لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). امروزه با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی روش های سنتی مدیریت برای اداره امور و توسعه روستایی کارساز نیستند. با توجه به این واقعیت که امروزه پارادایم مسلط توسعه روستایی از نوع ارتباطی و مشارکتی است (Atkociuniene, 2014, 109)؛ مدیرین نوین روستایی باید علاوه بردارای بودن اصول مدیریت همانند: رهبری، برنامه ریزی و سازماندهی و... بایستی معیارهایی همچون: جامع نگری و جمع گرایی، انعطاف پذیری و ابتکار گرایی، مشارکت جویی و... را در خود داشته باشد تا بتواند به جذب مشارکت مردم محلی، توانمند سازی آنها و توسعه ظرفیتی روستاییان اقدام نمایند. بر این اساس دهیاری ها که مهمترین بازوی اجرایی شوراهای اسلامی می باشند، به عنوان نماد مدیریت نوین و نوگرا قلمداد می شوند و باید به کلیه خصیصه های مدیریت نوگرا آگاهی داشته باشند تا بتوانند با پیاده سازی اصول مدیریت نوین در جهت توسعه پایدار روستایی گام بردارند (مهدوی، ۲۲، ۱۳۸۴: ۱۲، ۲۰۰۲، Haarlem). با توجه به اینکه آگاهی و میزان شناخت از اصول و شیوه های نوین مدیریت روستایی پیش زمینه حرکت در مسیر مدیریت نوین روستایی و به دنبال آن تحقق توسعه است؛ هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، سنجش میزان آگاهی دهیاران روستاهای شهرستان مریوان از اصول نوین مدیریت روستایی است تا بدینوسیله بتوان شناخت جامع و روشنی از وضع موجود به دست آورد و به دنبال آن بتوان با ارائه راهکارهای کاربردی و منطبق با واقعیت به ارتقای عملکرد دهیاری ها کمک کرد. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات اساسی ذیل می باشد:

- ۱- آیا میزان آگاهی دهیاران روستاهای منطقه از شاخصه های مدیریت نوین روستایی در سطح رضایت بخشی است؟
- ۲- آیا بین دیدگاه مردم محلی و دهیاران در ارتباط با میزان آگاهی دهیاران از اصول نوین مدیریت روستایی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

آبراهام (۲۰۱۳) در مقاله ای تحت عنوان تقویت مدیریت روستایی به این نتیجه می رسد که تاسیس موسسه مدیریت روستایی آناداکاملا موثر بوده بطوری که نهادها و موسسه های دیگر دولتی و غیردولتی نیز با اهداف مشابه جهت بهبود مدیریت روستایی به وجود آمده اند. تخصصی شدن ارائه آموزش ها در زمینه های مدیریت شرکت های تعاونی، مدیریت تجارت و کشاورزی، مدیریت بازاریابی، مدیریت صنایع روستایی، مدیریت اقتصاد روستایی و... نیز تاثیر مثبت دیگر عملکرد این نهادها می باشند.

مهدوی (۱۳۸۴) در مقاله ای تحت عنوان دهیاری تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه مورد مطالعه: دهیاری های استان آذربایجان غربی) به این نتیجه رسیده که دهیاری ها در منطقه مورد مطالعه توانسته اند با اعمال مدیریت

مطلوب و مشارکتی در روستاها نقش بسیار مهمی در توسعه روستایی بویژه بهبود اوضاع کالبدی- فیزیکی روستاها ایفا نمایند.

افتخاری و دیگران (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیرگذار، به این نتیجه رسیده اند که برنامه ریزی مشارکتی که مدیریت مشارکتی را به دنبال دارد به عنوان پارادایم مسلط مدیریت روستایی در عصر حاضر توانایی ایجاد ارتباط هماهنگ و مکمل نهادهای تاثیرگذار را داشته و با توجه به افزایش نقش مردم محلی به توانمندسازی و توسعه ظرفیتی جوامع روستایی منجر می گردد.

سعیدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان نقش مدیریت نوین روستایی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال در روستاها به این نتیجه می رسد که سازمان ها در حال وارد شدن به اقتصاد مبتنی بر دانش هستند؛ اقتصادی که دانش، مهمترین مزیت رقابتی است؛ در این راستا مدیران روستایی باید با بهره گیری از اصول و دانش نوین مدیریت به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش حرکت کرده و بدینوسیله موجب افزایش ارزش اقتصادی روستا و به تبع آن کارآفرینی، بهره وری و ایجاد شغل گردند.

افتخاری و قیداری (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان باز آفرینی مدیریت توسعه روستایی در ایران به این نتیجه رسیده اند که مدیریت نوین روستایی در ایران به شکل الگوی مناسب و کارآمد مدیریت روستایی در نیامده است و با ادغام جهادسازندگی در وزارت کشاورزی افزون بر کاهش جایگاه روستا در ساختار اداری در سطح کلان و کنار گذاشتن وظایف حاکمیتی دولت در ابعاد شش گانه نوعی عقب گرد علمی و کارشناسی بشمار می رود، توسعه روستایی، توسعه کشاورزی تلقی گردید. یک نوع درهمتنیدگی وظایف بین ارگان‌ها و سازمان‌های متولی امر توسعه روستایی مجددا شکل گرفت

بدری (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان چالش های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست های راهبردی به این نتیجه می رسد که برای تحقق و عملیاتی کردن حق توسعه یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چهارچوب چشم انداز روستایی لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه ها، شیوه های برنامه ریزی، قوانین و رویه ها، سبک ها و شیوه های مدیریت و حکمرانی و تاکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی ضرورت دارد.

عنابستانی و جوانشیری (۱۳۹۱) در مقاله ای به بررسی عوامل موثر بر عملکرد دهیاران و نقش آن در توسعه روستایی پرداخته اند. نتیجه نشان می دهد که بین عملکرد مدیران محلی روستاها با شاخصه هایی مانند: میزان مشارکت مردم، شرکت دهیاران در کلاس های آموزشی و موقعیت مکانی ارتباط معنی داری وجود دارد.

لطیفه (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان جایگاه مدیریت نوین روستایی در برنامه های توسعه (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهریار) به این نتیجه می رسد که شوراهای دهیاری ها در افزایش مشارکت مردمی و در حل مسائل محلی روستاهای این بخش خصوصا مشکلات عمرانی از جایگاه مطلوبی برخوردار بوده اند.

مهدوی و کریمی (۱۳۹۱) در مطالعه ای تحت عنوان تدوین الگوی مطلوب مدیریت نوین توسعه روستایی در ایران پرداخته اند. نتیجه پژوهش آنها نشان می دهد که روش های سنتی مدیریت، امروزه برای اداره و هدایت توسعه روستایی کارساز

نیست و مدیریت جدید توسعه روستایی باید علاوه بر دارای بودن اصول مدیریت معیارهایی همچون: جامع نگری، جمع گرایی و مشارکت جویی را دارا باشند و باعث رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیطی روستاها گردند. هاشجین (۱۳۹۱) نیز در مقاله ای به ارائه مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان پرداخته است. در این مقاله نگارنده با بهره گیری از نظریات، تجربیات، منابع و اطلاعات به بررسی اجمالی مدیریت روستایی در ایران و استان گیلان پرداخته و در پایان، مدل پیشنهادی روستایی در سطح روستاهای استان گیلان از سطح روستایی تا استانی ارائه شده است.

آزادی (۱۳۹۱) در مطالعه ای دیگر با عنوان نقش مدیریت با تاکید بر نقش دهیاری ها در توسعه روستایی با روشی توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از منابع اسنادی به این نتیجه رسیده که مدیریت روستاها می تواند با آموزش مردم و تشکیل گروههای مختلف محلی، فرهنگ سازی و ایجاد روحیه تعامل و ایجاد مشارکت گروهی زمینه ساز توسعه روستایی گردد. شفیعی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان؛ مدیریت روستایی در ایران و نقش دهیاری ها در چگونگی روند توسعه روستایی انجام داده اند، نتایج حاکی از آن است که امروزه دهیاری ها می توانند در راستای توسعه روستایی بویژه بهبود اوضاع کالبدی- فیزیکی روستاها ایفای نقش نمایند و فعالیت های انجام شده دهیاران گواه بر این مدعا است. اما از طرفی ضعف هایی که وجود دارد نیز با نظارت عالیه استانداری ها، اختصاص بودجه بیشتر، برگزاری کلاس های آموزشی و تفویض اختیارات لازم به دهیارها قابل حل می باشند.

ساربان (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دید مردم محلی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر) به این نتیجه می رسد که شش مولفه تقویت ظرفیت های شناختی، تقویت نظارت و استقلال عمل مردم محلی، تسهیل دسترسی به منابع و ارتقای شاخص های اقتصادی، بومی گرایی توسعه، اعتمادسازی و رضایتمندی شغلی مهمترین عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه می باشند.

مبانی نظری

اگر مدیریت را به یک تعریفی فرایند سازماندهی و هدایت جامعه از طریق شکل دهی سازمانها و نهادهای دست اندرکار برای اداره جامعه بدانیم که توان این سازمانها و نهادها، ابزارهای تامین هدفهای جامعه قلمداد شده و هدفهایی که مردم آنها را با توجه به خواسته ها و امکانات موجود خود ترسیم کرده و می کنند، در بر می گیرد. بنابراین موفقیت و شکست هر نهاد در دستیابی به اهداف و انجام وظایفش متکی به مدیریت آن است. روستا نیز به عنوان یک سازمان فضایی زیست- فعالیت از این قاعده مستثنی نیست (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). مدیریت روستایی مجموعه ای از دانش، اطلاعات، فنون و مهارت ها است که با هنر مدیریت، فرایند و عمل برنامه ریزی به منظور دستیابی به توسعه پایدار روستایی را با توجه به اهداف محوری برنامه ریزی توسعه روستایی سامان می بخشد (هاشجین، ۱۳۹۱: ۳). بنابراین هدف مدیریت روستایی ایجاد رابطه منطقی و

تنظیم شده بین انسان و محیط برای رسیدن به رضایتمندی و خشنودی در زندگی مردم مناطق روستایی است(مهدی کیمی پور، ۱۳۹۱:۳).

شکل شماره (۱) اهمیت مدیریت در سازمان

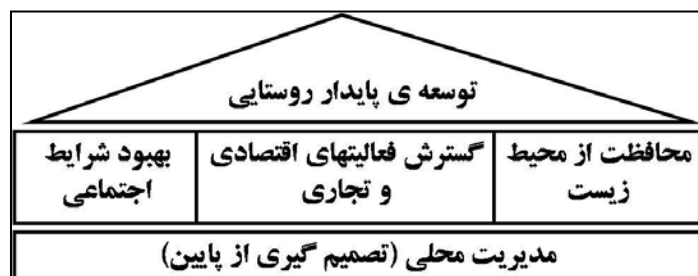


منبع: (subedi, ۲۰۱۲, ۲)

مدیریت روستایی در فرایند توسعه روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است(ابری، ۲۶۵، ۱۳۸۰) نقش مدیریت در توسعه روستایی از این نظر حائز اهمیت است که اگر ما توسعه را حاصل یک فرایند همجوشی حاصل نیروی انسانی، منابع طبیعی، بازار، سرمایه و... بدانیم مدیریت وظیفه برنامه ریزی و هماهنگی بین این عناصر را برعهده دارد(ایمانی و عزمی، ۲، ۱۳۹۰) اهمیت مدیریت مطلوب در توسعه روستایی مطابق با شکل زیر، سبب گردیده که مدیریت مطلوب نیز در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی به عنوان بعد دیگری در زمینه تحقق توسعه پایدار روستایی نامبرده شود(Joshi, ۲۰۰۷, ۱۲).

(Keynes, ۲۰۰۶).

شکل شماره (۲) نقش مدیریت نوین (مدیریت محلی) در تحقق توسعه پایدار روستایی



منبع: (www.landcoalition.org, ۲۰۱۴)

این شکل بر مشارکت مردم و تصمیم‌گیری غیر متمرکز و از پایین به عنوان مطلوبترین و جدیدترین شیوه مدیریتی و مبنای دستیابی توسعه پایدار روستایی تأکید دارد. رهیافت تصمیم‌گیری از پایین و مدیریت محلی در مناطق مرکز پیرامون، جهت توسعه نواحی پیرامونی بیشترین کاربرد و اهمیت را دارد (آسایش، ۱۳۸۵: ۱۳۵). سپردن مدیریت به روستائیان و ایجاد فرهنگ مدیریتی که در توانایی خود اصلاحی با محیط داشته و بتواند تمام منابع و امکانات روستا را جهت تحقق توسعه بکار گرفته، هدایت و کنترل نماید شاخصه‌های اصلی مدیریت نوین روستایی هستند (خالدی، ۱۳۹۱: ۵۱). بنابراین شکل جدید مدیریت روستایی مدیریت مشارکتی و محلی است. در این شیوه مدیریت عناصر بیرونی تعیین‌کننده سرنوشت روستائیان نیستند؛ بلکه روستائیان در تعامل با دولت و بازار سرنوشت خود را رقم می‌زنند (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۵). در واقع روستاها به منزله مکان‌هایی با شیوه زندگی و فعالیت متفاوت، نیازمند الگوی مدیریت مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر روستاها هستند؛ وجود چنین ضرورت‌هایی (محلی و مشارکتی بودن) باعث گردید که از سال ۱۳۷۷ قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در کشور به تصویب رسد و با الگو برداری از مدیریت شهری که مشتمل بر دو نهاد شورا و شهرداری است؛ به وزارت کشور اجازه داده شد تا به منظور اداره روستاها و توسعه پایدار روستایی سازمانی به نام دهیاری با توجه به ویژگی‌های محل با درخواست اهالی و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاهای بالای ۲۰ خانوار تاسیس نماید (شفیعی، ۱۳۹۲: ۱). پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانون تشکیل شوراهای اسلامی، مدیریت روستاها به شواهای روستایی با اعتبار دو ساله و زیر نظر جهادسازندگی و وزارت کشور واگذار شد. شوراهای اسلامی با وجود سپری شدن مدت قانونی خود تا سال ۱۳۶۷ و قبل از تشکیل شوراهای جدید به فعالیت خود ادامه دادند. جهادسازندگی و بنیاد مسکن در این دوره به این نتیجه رسیدند که در بسیاری از روستاها، شوراها قادر به انجام همه فعالیت‌های اجرایی نیستند و به همین دلیل، هر یک از این نهادها به ترتیب برای روستاهای تحت پوشش خود در زمینه تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی و هادی، خانه همیار و دفتر عمران روستا تشکیل دادند که این مراکز در روستاهای تشکیل و تا قبل از فعالیت شوراهای جدید فعالیت داشتند و با تصویب قوانین

جدید و به دنبال برگزاری انتخابات، اولین دوره شوراهای اسلامی روستایی به شیوه امروزی در سال ۱۳۷۷ و دومین دوره آن در سال ۱۳۸۱ تشکیل گردید. در دوره دوم فعالیت شوراها، دهیاری‌ها نیز به عنوان یک سازمان محلی به وجود آمد و گسترش یافت (جاجرمی، ۱۳۸۸: ۹۴ و رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). صدور حکم دهیار با پیشنهاد شوراها و با تایید بخشدار به مدت چهار سال صادر می‌گردد. تاسیس دهیاری در روستاها را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ مدیریت روستایی برشمرد (خبازداره، ۱۳۹۳: ۶). دهیار به عنوان سازمان اصلی مدیریت روستایی و نماد مدیریت نوگرای محلی روستایی، نقش مهم و تاثیرگذاری در تامین خدمات عمومی ساماندهی زندگی روستایی دارد (فیروزآبادی و جاجرمی، ۱۳۹۱: ۶۹). بطور کلی مدیریت روستایی را مطابق با تقسیم بندی کلی مدیریت می‌توان به دو قسم سنتی و نوین تقسیم نمود که شاخصه های آن در جدول ۱، آورده شده است.



جدول شماره (۱) معیارهای مدیریت سنتی و نوگرانوین با تاکید بر دهیاریها

ردیف	معیار	مدیریت سنتی	مدیریت نوگرا
۱	تصمیم گیری	رابطه ای	ضابطه ای
۲	اجرای تصمیمات	از طریق دستور	از طریق اطلاع رسانی و درخواست
۳	هماهنگی مدیریتی در اجزای سیستم	ناهمگون / ناهماهنگ	همگون و هماهنگ
۴	قدرت رهبری مدیران	ضعیف(مرجع / مافوق)	قوی(حامی/مربی)
۵	آموزش کاری	کم(آزمایش و خطا)	آموزش مدون و مستمر
۶	نظارت	ضعیف / سطحی	قوی / چندجانبه
۷	قوانین و مقررات	پیچیده و سختگیرانه اما غیر موثر	منطقی و لازم الاجرا
۸	خطرپذیری	پایین	بالا
۹	الگوی انجام کار	سلیقه ای	پروژه ای و مدیریتی
۱۰	مشارکت	منفعل	فعال
۱۱	سیاست	روزمرگی	برنامه ریزی هدفمند
۱۲	راهبردها	نامعین/ مقطعی و کوتاه	مشخص / بلندمدت
۱۳	راهکارها	غیر شفاف/ مخفی	شفاف/ علنی
۱۴	تفکر	قومی قبیله ای	سیستمی
۱۵	انجام کار	فردی	گروهی
۱۶	نظارت و ارزیابی	کم	مستمر
۱۷	بهره وری	کم	زیاد
۱۸	توزیع منابع	نامتناسب/ رابطه ای	متناسب/ سیستمی
۱۹	پاسخگویی و شفافیت	کم	زیاد
۲۰	مسئولیت پذیری	کم	زیاد
۲۱	رفتار	متعصبانه و سلیقه ای	عادلانه و اخلاقی
۲۲	مردم گرایی (ذی نفع گرایی)	تکبر و خودمحوری	همدلی و درک خواسته های مردم
۲۳	قدرت و اختیار	تمرکز قدرت و اختیارات	اعتقاد به تفویض اختیار
۲۴	حفظ و رعایت امانت و اسرار و حقوق مردم و منافع آنها و ارزشها و سنن آنها	کم	زیاد
۲۵	تشکیل و راه اندازی و تقویت سازمان های محلی و مدنی	ناتوان	توانا
۲۶	روحیه جاه طلبی و سیاست بازی	دارد	ندارد
۲۷	انتخاب همکاران توانا و کارآمد(شایسته سالاری)	زیاد	کم

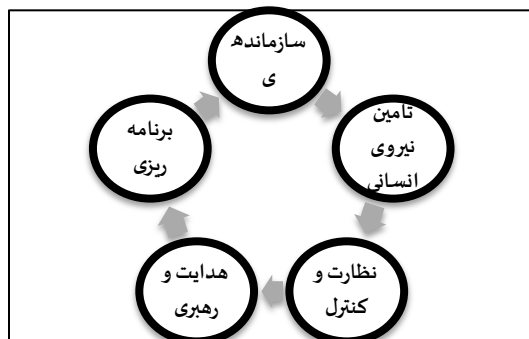
منبع: (مهدوی، ۱۳۸۴: ۷۳) (Abraham, ۲۰۱۳: ۲) (Atkociuniene, ۲۰۱۴: ۱۱)

بنابراین مطابق با اصول نوین مدیریت روستایی، مجموعه مدیریت روستاها و در آن میان دهیارها به عنوان نماد مدیریت نوین محلی، باید بتوانند روستا را به سازمانی حرفه ای تبدیل کنند (Abraham, 2013:2) این مهم نیز زمانی تحقق می یابد که به وسیله الگویی کارآمد، بتواند قدرت عمل، ابتکار در توسعه، سازندگی و سیاستگزاری را در دست گرفته و با درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد (مهدوی و کریمی، ۱۳۹۱:۲). در واقع مطابق با اصول آورده شده در جدول ۱، تحرک بخشیدن به منابع محلی و دستیابی به مشارکت حداکثری مردم روستایی و سپردن قدرت تصمیم گیری و مسئولیت پذیری و درگیر شدن روستائیان در سرنوشت خویش جهت ارتقای کیفیت زندگی و داشتن برنامه و استراتژی لازمه توسعه موفقیت آمیز روستایی بوده و اصول مدیریت نوین روستایی را که دهیارها بایستی به آنها آشنا و ملزم باشند؛ رقم می زند (Atkociuniene, 2014:109, افتخاری، ۱۳۹۱:۲). تئوری جدید مدیریتی که منطبق با شرایط عصر حاضر، می باشد؛ رویکرد سیستمی است؛ بنابراین دهیارها نیز که مدیران نوین روستایی هستند باید با بینش سیستمی و دیدی همه جانبه نگرانه به روستا= به عنوان مجموعه ای منظم نگریده و به اصول و چگونگی سیستمی اندیشیدن و عمل کردن، آگاه باشند (subedi, 2012:2).

موفقیت مدیریت جدید روستایی (دهیاران) متکی بر آگاهی از چگونگی استفاده از ظرفیت های جوامع محلی با اداره و کنترل دقیق مکان و بهره وری از منابع موجود می باشد. مدیریت جدید روستایی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت را در نظر داشته باشد؛ در اینصورت قادر به تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاها روستایی است (جاجرمی، ۱۳۸۸:۹۲). مدیریت نوین توسعه پایدار روستایی به انسان به عنوان ناظر و به لحاظ مبانی اخلاقی، انسان را محور می داند و به لحاظ منطق و خرد، به شبکه و ترکیب و به لحاظ طبیعت انسان به انسان خردمند و به لحاظ ساختار سیاسی به اصل تفویض اختیار، اعتقاد دارد. بر این اساس معیارها، مشخصات و ویژگی های مدیریت جدید روستایی با توجه به متون را می توان بدین صورت ترسیم کرد که در آن ویژگی ها، ابعاد مدیریتی، مدیریت راهبردی و اجرایی مد نظر است. در واقع ویژگی های و نقش مدیریت جدید روستایی از سه بعد رابطه با افراد، و نهادها، اطلاع رسانی و تصمیم گیری مورد توجه و قابل بررسی است (افتخاری و قیداری، ۱۳۸۸:۱۱).

از سویی دیگر دهیاری ها به عنوان نمادهای مدیریت نوین و محلی جامعه روستایی بایستی علاوه بر آگاهی از ویژگیهای عمومی مدیریت نوین روستایی از لحاظ کارکردی و تخصصی نیز با اصول این نوع مدیریت آشنا بوده و بدان ها عمل نمایند. کارکردهای مدیریت نوین روستایی را می توان در پنج بعد نظارت و کنترل، هدایت و رهبری، برنامه ریزی، تامین نیروی انسانی و سازماندهی خلاصه نمود (رشیدپور، ۱۳۸۹:۴ و subedi, 2012:1, 2). این ابعاد حلقه هایی هستند که در ارتباط و پیوند متقابل بوده و خلل در یکی از زمینه ها، عرصه دیگر را بامشکل مواجه می سازد (شفیعی، ۱۳۹۲:۳) بنابراین ضرورت دارد که دهیاران به عنوان مدیران روستایی به این ابعاد و شاخصه های آن آگاهی داشته باشند تا بتوانند با اجرای مطلوب آنها زمینه ساز تحقق مدیریت مطلوب روستایی و به دنبال آن تحقق توسعه روستایی گردند.

شکل شماره (۳) کارکردهای اصلی مدیریت نوین روستایی



منبع: (شفیعی، ۱۳۹۲: ۳): (۱: ۲۰۱۲، subedi)

مواد و روشها

تحقیق حاضر از نظر ماهیت توصیفی- تحلیلی است و از لحاظ نوع تحقیق، کاربردی می باشد. روش انجام این تحقیق در بخش نظری، کتابخانه ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی است. در روش کتابخانه ای از فیش، گزارش ها، مقالات و آمارهای سازمان های مربوطه و در شیوه میدانی از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به هدف تحقیق دو گروه دهیاران و خانوارهای روستایی ساکن در ۱۸ روستای بخش خاوومیرآباد که دارای دهیاری بودند، به عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تعیین حجم نمونه در گروه خانوارهای روستایی دارای دهیاری که با توجه به سرشماری ۱۳۹۰ دارای ۲۱۲۰ خانوار هستند، ابتدا بر اساس فرمول کوکران و سپس اعمال فرمول تصحیح، تعداد ۱۷۵ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند و تعداد کل پرسشنامه ها مشخص شد، در ادامه با توجه به عامل فاصله از مرز روستاهای طبقه بندی شدند، حداکثر فاصله روستاها از مرز با کشور عراق ۲۱ کیلومتر است، بر این اساس روستاهای این بخش به سه دسته (دور- متوسط- نزدیک) تقسیم شدند، از طبقه اول به دلیل دارا بودن ۶۰ درصد روستاها ۳ نمونه و از طبقات دوم و سوم هر یک با داشتن ۲۰ درصد روستاهای بخش یک روستا به عنوان نمونه انتخاب گردید، که در مجموع ۵ روستا یعنی ۳۰ درصد کل روستاها به عنوان نمونه تعیین شدند. انتخاب روستاهای نمونه در هر دسته نیز به صورت تصادفی و با بهره گیری از روش جدول اعداد تصادفی در دسته های مربوطه هر روستا بوده است. سپس با توجه به نمونه گیری منطبق سهم هر روستا از تعداد پرسشنامه ها مشخص شده و پرسشنامه ها به صورت تصادفی ساده در میان سرپرستان خانوار توزیع گردید.

جدول شماره (۲) روستاهای نمونه و توزیع تعداد کل پرسشنامه ها در بین آنها

طبقه	اسم روستا	تعداد خانوار	تعداد پرسشنامه های تعلق گرفته
اول (۷-۰) کیلومتر	ده روران	۷۰	۱۷
	ساوجی	۲۷۳	۶۵
	سعداباد	۸۷	۲۱
دوم (۷-۱۴) کیلومتر	دره تفی	۱۹۸	۴۷
سوم (۱۴-۲۱) کیلومتر	سیف سفلی	۱۰۴	۲۵
جمع	۵	۷۳۲	۱۷۵

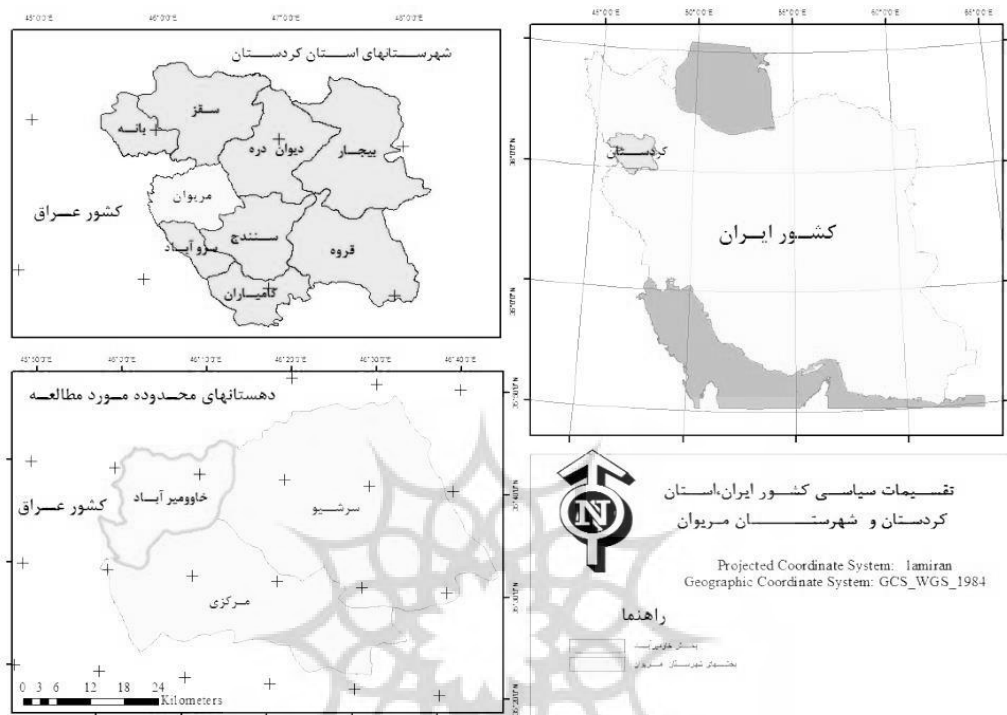
منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

گروه بعدی جامعه آماری تحقیق، دهیاران روستاهای بخش مورد مطالعه، بوده اند که با توجه به تعداد کم آنها از روش تمام شماری استفاده و پرسشنامه ها در میان آنان توزیع شد. سوالات مورد استفاده در پرسشنامه به صورت چند جوابی و بسته طرح شده است. اکثریت سوالات دارای ۵ گزینه پاسخ است که بر اساس طیف لیکرت می باشند. به منظور سنجش میزان آگاهی و عملکرد دهیاران از اصول نوین مدیریت روستایی پرسشنامه هایی در برگیرنده ۲۶ شاخص در میان دو گروه مورد مطالعه پژوهش توزیع گردید؛ تاکید اصلی در سوالات دهیاران سنجش آگاهی آنان از شیوه های نوین مدیریت روستایی و در پرسشنامه روستائیان نیز تاکید اصلی بر سنجش میزان تطابق عملکرد دهیاران با این اصول است. روایی صوری و محتوایی پژوهش در ابتدا با تایید متخصصان دانشگاهی و کارشناسانی که سابقه مطالعات مشابه را داشتند و توزیع تعداد ۲۰ پرسشنامه در میان روستائیان و ۸ پرسشنامه در میان دهیاران (پیش آزمون) تایید گردید در ادامه جهت تعیین پایایی پژوهش نیز از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که مقدار به دست آمده برابر ۸۴/۱ نشان از پایایی پرسشنامه و همبستگی درونی پاسخ ها دارد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها نیز از شاخص های آمار توصیفی (میانگین و مد) و آزمون های آمار استنباطی (t تک نمونه ای و من ویتنی) استفاده شده است

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان مریوان به مرکزیت شهر مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان در غرب استان و در مجاورت خاک عراق با طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۵ درجه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۰۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده است. این شهرستان دارای سه بخش مرکزی، سرشیو و خاوومیرآباد می باشد. بخش خاوومیرآباد با مساحتی بالغ بر ۳۳۸ کیلومتر مربع دارای ۳۱ روستا دارای سکنه و در منطقه صفر مرزی در همسایگی کشور عراق واقع گردیده است. (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵: ۲۹۶)

شکل شماره (۴) معرفی منطقه مورد مطالعه



منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

یافته های توصیفی

بررسی ویژگیهای فردی پاسخ دهندگان در گروه مردم محلی نشان می دهد که تمامی پاسخ دهندگان مرد بوده اند، از حیث سن ۱۶.۶ درصد پاسخگویان در سن ۲۰-۳۰ سال، ۳۶.۹ درصد افراد در سن ۳۱-۴۰، ۲۷.۸ درصد در سن ۴۱-۵۰ و ۱۸.۷ درصد در سنین بالای ۵۱ سال قرار داشته اند. از نظر تحصیلات ۱۲.۸ درصد افراد بیسواد، ۴۱ درصد در سطح ابتدایی، ۱۵ درصد راهنمایی، ۲۲ درصد دیپلم و فوق دیپلم و ۹.۱ درصد پاسخگویان در سطح لیسانس و بالاتر بوده اند. قریب به ۹۸ درصد پاسخ دهندگان نیز اصالتا اهل روستای محل اقامت خود بوده اند. (جدول ۴)

جدول شماره (۴) توزیع پرسشنامه ها از نظر گروههای سنی، تحصیلات و اقامت در گروه مردم محلی

شاخص	طبقه	فراوانی	درصد
سن	۲۰-۳۰	۳۱	۱۶.۶
	۳۱-۴۰	۶۹	۳۶.۹
	۴۱-۵۰	۵۲	۲۷.۸
	۵۱ سال به بالا	۳۵	۱۸.۷
	مجموع	۱۷۵	۱۰۰
تحصیلات	بی سواد	۲۴	۱۲.۸
	ابتدایی	۷۶	۴۱
	راهنمایی	۲۸	۱۵
	دیپلم و فوق دیپلم	۴۲	۲۲
	لیسانس و بالاتر	۱۷	۹.۱
مجموع	۱۷۵	۱۰۰	
اقامت	اصیل	۱۷۱	۹۷.۷
	غیر اصیل	۴	۲.۳
	مجموع	۱۷۵	۱۰۰

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

در گروه دهیاران نیز بیشترین درصد فراوانی پاسخگویان برابر با ۵۶ درصد در طبقه سنی ۴۰-۳۱ سال، ۵۰ درصد دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و ۱۰۰ درصد آنها هم اصالتاً اهل روستای محل شکوئتشان بودند.

جدول شماره (۵) توزیع پرسشنامه‌ها از نظر گروه‌های سنی، تحصیلات و اقامت در گروه دهیاران

شاخص	طبقه	فراوانی	درصد
سن	۳۰-۲۰	۲	۱۱
	۴۰-۳۱	۱۰	۵۶
	۵۰-۴۱	۴	۲۲
	۵۱ سال به بالا	۲	۱۱
	مجموع	۱۸	۱۰۰
	ابتدایی	---	---
تحصیلات	راهنمایی	۳	۱۶
	دیپلم و فوق دیپلم	۹	۵۰
	لیسانس و بالاتر	۶	۳۳
	مجموع	۱۸	۱۰۰
اقامت	اصیل	۱۸	۱۰۰
	غیر اصیل	---	---
	مجموع	۱۸	---

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

جهت تجزیه و تحلیل پاسخ‌های دهیاران به میزان آشنایی با اصول نوین مدیریت روستایی اقدام به تشکیل جدول ۶ گردید. همانطور که نتایج جدول نشان می‌دهد دهیاران در اصول ۲۷ گانه مورد سنجش مدیریت نوین روستایی در تمامی شاخص‌ها بر آگاهی‌شان به این اصول معتقدند؛ چرا که در تمامی شاخص‌ها میانگین و مد پاسخ‌ها بیشتر از ۳ به دست آمده است. بیشترین میانگین به شاخص مسئولیت‌پذیری با میانگین محاسبه شده ۴.۲۷ و کمترین میانگین نیز به شاخص تصمیم‌گیری بر اساس ضابطه و قانون با میانگین محاسبه شده ۳.۰۵ اختصاص دارد.

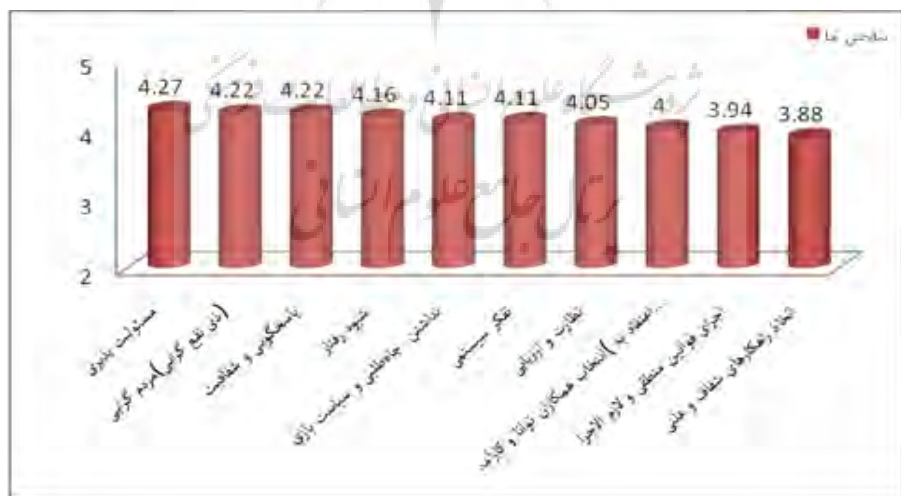
جدول شماره (۶) سنجش میزان آگاهی و انطباق عملکرد دهیاران به اصول نوین مدیریت روستایی از دیدگاه دهیاران

ردیف	معیار	شاخصه مدیریت نوگرا	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مد	میانگین
۱	تصمیم گیری	ضابطه ای	۳	۴	۵	۳	۳	۳	۳.۰۵
۲	اجرای تصمیمات	از طریق اطلاع رسانی و درخواست	۲	۶	۷	۳	---	۳	۳.۳۸
۳	هماهنگی مدیریتی در اجزای سیستم	همگون و هماهنگ	۴	۷	۵	۲	---	۴	۳.۷۲
۴	قدرت رهبری مدیران	قوی (حامی/مربی)	۵	۵	۴	۳	۱	۴	۳.۵۵
۵	آموزش کاری	آموزش مدون و مستمر	۱	۸	۶	۳	---	۴	۳.۸۸
۶	نظارت	قوی / چندجانبه	۶	۵	۵	۲	---	۵	۳.۸۳
۷	قوانین و مقررات	منطقی و لازم الاجرا	۷	۵	۴	۲	---	۵	۳.۹۴
۸	خطرپذیری	بالا	۵	۸	۵	۱	---	۴	۳.۸۳
۹	الگوی انجام کار	پروژه ای و مدیریتی	۵	۵	۵	۳	---	۳	۳.۶۶
۱۰	مشارکت	فعال	۴	۳	۵	۴	۲	۳	۳.۱۶
۱۱	سیاست	برنامه ریزی هدفمند	۵	۶	۴	۲	۱	۴	۳.۶۶
۱۲	راهبردها	مشخص / بلندمدت	۳	۶	۵	۳	۱	۴	۳.۲۷
۱۳	راهکارها	شفاف/ علنی، کاربردی	۵	۷	۵	۱	---	۴	۳.۸۸
۱۴	تفکر	سیستمی	۸	۵	۴	۱	---	۴	۴.۱۱
۱۵	انجام کار	گروهی	۵	۲	۶	۴	۱	۳	۳.۴۴
۱۶	نظارت و ارزیابی	مستمر	۸	۴	۵	۱	---	۵	۴.۰۵
۱۷	بهره وری	زیاد	۳	۷	۶	۱	۱	۴	۳.۵۵
۱۸	توزیع منابع	متناسب/ سیستمی	۶	۶	۵	۱	---	۴	۳.۶۴
۱۹	پاسخگویی و شفافیت	زیاد	۷	۸	۳	---	---	۴	۴.۲۲
۲۰	مسئولیت پذیری	زیاد	۹	۶	۲	۱	---	۵	۴.۲۷
۲۱	رفتار	عادلانه و اخلاقی	۸	۶	۳	۱	---	۵	۴.۱۶
۲۲	مردم گرایی (ذی نفع گرایی)	همدلی و درک خواسته های مردم	۹	۵	۳	۱	---	۵	۴.۲۲
۲۳	قدرت و اختیار	اعتقاد به تفویض اختیار	۳	۴	۵	۴	۲	۳	۳.۱۱

۳.۸۸	۴	---	۲	۴	۶	۶	زیاد	حفظ و رعایت امانت، اسرار، حقوق مردم، منافع، ارزش‌ها و سنن آنها	۲۴
۳.۴۴	۳	---	۳	۷	۵	۳	توانا	تشکیل و راه اندازی و تقویت سازمان‌های محلی و نهادهای مدنی	۲۵
۴.۱۱	۴	---	---	۴	۸	۶	ندارد	روحیه جاه‌طلبی و سیاست بازی	۲۶
۴	۴	---	۱	۴	۷	۶	زیاد	انتخاب همکاران توانا و کارآمد (اعتقاد به شایسته سالاری و اصول اکتسابی)	۲۷

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

شکل شماره (۵) نمایش ده شاخص اول میانگین های آگاهی و عملکرد به اصول نوین مدیریت نوین روستایی از دیدگاه دهیاران



منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

جهت سنجش دیدگاه مردم محلی نیز در ارتباط با میزان انطباق عملکرد دهیاران با اصول نوین مدیریت روستایی اقدام به تشکیل جدول ۷ گردید. همانطور که نتایج جدول نشان می‌دهد مردم محلی در شاخص‌های اعمال مدیریتی هماهنگ در تمامی اجزای سیستم روستا، قدرت رهبری دهیاران، آموزش کاری دهیاران، خطرپذیری و قدرت انعطاف دهیاران، دارا بودن سیاست‌های و برنامه ریزی هدفمند، دارا بودن راهبردها و استراتژیهای بلندمدت و کاربردی، تفکر هماهنگ جامع و سیستمی، تفویض و واگذاری اختیار و تشکیل و راه اندازی و تقویت سازمان‌های محلی و نهادهای مدنی با میانگین‌های کمتر از حد رضایت‌کننده یعنی عدد ۳ و مدهای برابر ۲ یعنی گزینه کم به رضایت بخش نبودن وضعیت آگاهی و عملکرد دهیاران با اصول ذکر شده معتقدند. در سایر شاخص‌ها نیز همانطور که یافته‌های جدول نشان می‌دهند میزان موافقت مردم محلی با دارا بودن اصول نوین مدیریت روستایی از سوی دهیاران در حد متوسطی بوده و در این میان شاخص حفظ و رعایت امانت، اسرار، حقوق مردم، منافع، ارزش‌ها و سنن آنها با میانگین ۳.۶۶ دارای بیشترین میانگین محاسبه شده و شاخص دارا بودن راهبردهای شفاف، علنی و کاربردی با میانگین ۲.۴۹ دارای کمترین میانگین محاسبه شده است

جدول شماره (۷) سنجش میزان آگاهی و انطباق عملکرد دهیاران به اصول نوین مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی

ردیف	معیار	شاخص	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مد	میانگین
۱	تصمیم‌گیری	ضابطه‌ای	۳۳	۴	۴۴	۳	۲۰	۳	۳.۱۸
۲	اجرای تصمیمات	از طریق اطلاع‌رسانی و درخواست	۲۱	۴	۵۱	۳	۲۳	۳	۳.۰۰
۳	هماهنگی مدیریتی در اجزای سیستم	همگون و هماهنگ	۱۳	۴	۵۲	۳	۳۰	۲	۲.۸۱
۴	قدرت رهبری مدیران	قوی (حامی/مربی)	۲۲	۳	۴۰	۵	۲۷	۲	۲.۸۵
۵	آموزش کاری	آموزش مدون و مستمر	۲۴	۲	۳۴	۶۶	۲۳	۲	۲.۷۹
۶	نظارت	قوی / چندجانبه	۲۷	۴	۳۱	۵	۱۵	۲	۳.۰۹
۷	قوانین و مقررات	منطقی و لازم‌الاجرا	۳۵	۴	۳۱	۴	۱۵	۴	۳.۲۵
۸	خطرپذیری	بالا	۱۸	۳	۳۶	۴	۴۲	۲	۲.۶۷

			۴		۵				
۳۰۰۵	۳	۲۱	۲ ۶	۷۵	۲ ۸	۲۵	پروژه ای و مدیریتی	الگوی انجام کار	۹
۳۰۰۲	۲	۱۷	۵ ۷	۲۹	۴ ۸	۲۴	فعال	مشارکت	۱۰
۲۰۵۱	۲	۳۴	۷ ۰	۳۰	۲ ۹	۱۲	برنامه ریزی هدفمند	سیاست	۱۱
۲۰۴۹	۲	۳۴	۶ ۷	۳۷	۲ ۷	۱۰	مشخص / بلندمدت	راهبردها	۱۲
۳۰۰۰	۳	۲۱	۳ ۹	۵۹	۲ ۷	۲۹	شفاف / علنی، کاربردی	راهکارها	۱۳
۲۰۷۹	۲	۲۶	۵ ۸	۴۲	۲ ۴	۲۵	سیستمی	تفکر	۱۴
۳۰۰۱	۳	۲۶	۴ ۰	۴۲	۴ ۰	۲۷	گروهی	انجام کار	۱۵
۳۰۱۹	۲	۱۱	۵ ۴	۳۰	۵ ۰	۳۰	مستمر	نظارت و ارزیابی	۱۶
۳۰۱۶	۲	۱۳	۵ ۵	۳۱	۴ ۳	۳۳	زیاد	بهره وری	۱۷
۳۰۴۹	۵	۱۹	۲ ۵	۳۲	۴ ۸	۵۱	متناسب / سیستمی	توزیع منابع	۱۸
۳۰۰۱	۴	۳۲	۳ ۳	۳۴	۵ ۴	۲۲	زیاد	پاسخگویی و شفافیت	۱۹
۳۰۰۳	۳	۲۰	۴ ۶	۵۰	۲ ۶	۳۳	زیاد	مسئولیت پذیری	۲۰
۳۰۵۱	۳	۱۹	۲ ۰	۳۰	۶ ۴	۴۲	عادلانه و اخلاقی	رفتار	۲۱
۳۰۱۸	۳	۱۲	۴ ۸	۵۱	۲ ۴	۴۰	همدلی و درک خواسته های مردم	مردم گرایی (ذی نفع گرایی)	۲۲
۲۰۸۸	۲	۱۸	۵	۵۲	۲	۱۹	اعتقاد به تفویض اختیار	قدرت و اختیار	۲۳

			۷		۹				
۳.۶۶	۴	۱۱	۲ ۳	۲۶	۶ ۹	۴۶	زیاد	حفظ و رعایت امانت، اسرار، حقوق مردم، منافع، ارزش‌ها	۲۴
۲.۷۲	۲	۳۵	۴ ۷	۴۵	۳ ۰	۱۸	توانا	تشکیل و راه اندازی و تقویت سازمان‌های محلی و مدنی	۲۵
۳.۵۶	۴	۱۴	۲ ۲	۳۴	۶ ۱	۴۴	ندارد	روحیه جاه‌طلبی و سیاست بازی	۲۶
۳.۰۲	۲	۲۵	۴ ۹	۳۲	۳ ۵	۳۴	زیاد	انتخاب همکاران توانا و کارآمد(اعتقاد به شایسته سالاری	۲۷

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

شکل شماره (۶) نمایش ده شاخص اول میانگین های آگاهی و عملکرد دهیاران به اصول نوین مدیریت نوین روستایی از دیدگاه مردم محلی



منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

در مجموع نیز نتایج آزمون t تک نمونه ای نشان داد که در گروه دهیاران میانگین به دست آمده بیشتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون یعنی ۳ بوده و سطح معنی داری به دست آمده نیز کمتر از سطح آلفای ۰.۰۵ است تا با اطمینان ۹۵ درصد بتوان گفت که دهیاران معتقدند که با اصول نوین مدیریت روستایی آشنا هستند.

جدول شماره (۸) نتایج آزمون t تک نمونه ای سنجش دیدگاه دهیاران از میزان آگاهی و عملکرد به اصول نوین مدیریت روستایی

مطلوبیت عددی مورد آزمون=۳							
شاخص	میانگین	آماره T	درجه آزادی	معنی داری دوگانه	تفاوت از میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
آگاهی و عملکرد دهیاران به اصول نوین مدیریت روستایی	۳.۷۱	۳.۰۶۲	۱۷	.۰۰۷	.۷۱۱۶۵	۱.۲۰۲۰	.۲۲۱۳

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

در گروه مردم محلی نیز میانگین محاسبه شده در آزمون t تک نمونه ای در سطح معنی داری ۰.۰۵ کمتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون بوده تا بتوان با اطمینان ۹۵ درصد بتوان گفت که مردم محلی به آگاهی دهیاران از اصول نوین مدیریت روستایی معتقد نیستند.

جدول شماره (۹) نتایج آزمون t تک نمونه ای سنجش دیدگاه مردم محلی از میزان آگاهی و عملکرد به اصول نوین مدیریت روستایی

مطلوبیت عددی مورد آزمون=۳							
شاخص	میانگین	T آماره	درجه آزادی	معنی داری دوگانه	تفاوت از میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
آگاهی و عملکرد دهیاران به اصول نوین مدیریت روستایی	۲.۹۸	.۲۵۶	۱۷۴	.۷۹۸	.۰۲۳۲۸	۲.۰۲۸	-.۱۵۶۲

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

در نهایت در آزمون من ویتنی نیز، بزرگتر بودن میزان معنی داری محاسبه شده از سطح آلفای ۰.۰۵ نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد دیدگاه دو گروه، دهیاران در ارتباط با آگاهی از اصول نوین مدیریت روستایی و مردم محلی در ارتباط با میزان انطباق عملکرد دهیاران با اصول نوین مدیریت روستایی یکسان نبوده و دارای تفاوت معنی داری است.

جدول شماره (۱۰) سنجش تفاوت دیدگاه مردم محلی و دهیاران براساس آزمون من ویتنی

شاخص	گروه ها	مجموع	میانگین رتبه ها	مجموع رتبه ها	آماره من ویتنی	آماره Z	سطح معنی داری
دیدگاه ها	مردم محلی	۱۷۵	۹۴.۵۱	۱۶۴۴۴.۰۰	۱۲۱۹.۰	-۱.۸۷	۰.۰۶۲
	دهیاران	۱۸	۱۱۹.۸۴	۲۲۷۷.۰۰			
	مجموع	۱۹۳					

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵

در کل بر اساس داده های توصیفی و استنباطی این پژوهش می توان اینگونه برداشت نمود که دهیاران از عملکرد خود در زمینه آشنایی با مقررات و اصول مدیریت نوین روستایی رضایت داشته اما مردم واقع در روستاهای محدوده مورد مطالعه، عقیده ای خلاف نظر دهیاران را دارند و معتقد هستند که دهیاران با اصول نوین مدیریت روستایی آشنایی ندارند .

نتیجه گیری:

در فرایند برنامه ریزی و توسعه روستایی مدیریت جایگاه و نقش بسیار مهمی دارد و بدون یک مدیریت مشروع و کارآمد اهداف توسعه روستایی تحقق نخواهد یافت. نقش مدیریت در توسعه روستایی از این نظر حائز اهمیت است که اگر ما توسعه را حاصل یک فرایند همجوشی ترکیبی از عناصر سرمایه، نیروی انسانی، منابع طبیعی، بازار و... بدانیم، مدیریت وظیفه برنامه ریزی و هماهنگی بین این عناصر را برعهده دارد. در واقع مدیریت مطلوب پتانسیل بالقوه ای جهت تسریع در مسیر دستیابی به توسعه روستایی است. در دنیای پرتکاپو و پرتحول امروز روستاها نیز به عنوان سیستم هایی باز از این دگرگونی ها و تحول های سریع تاثیر پذیرفته و دچار تغییراتی ساختاری- کارکردی زیادی شده اند که نیاز آگاهی و آشنایی مدیران روستایی را به اصول و روش های جدید مدیریت که با این تغییرات و تحولات سریع منطبق باشد، ضروری ساخته است. مدیریت نوین روستایی می بایست مبتنی بر دانش و آگاهی، مشارکت جویی، عدالت طلبانه و مبتنی بر نگرش سیستمی باشد. در این راستا در پژوهش حاضر میزان آگاهی دهیاران به عنوان مدیران نوین روستایی در روستاهای بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان مورد سنجش قرار گرفت. یافته ها در راستای سوال اول پژوهش مبنی بر میزان آشنایی دهیاران با اصول نوین مدیریت روستایی، نشان می دهد که دهیاران بخش خاوومیرآباد در تمامی شاخص های مورد سنجش معتقدند که به اصول نوین مدیریت روستایی آگاهی دارند در این بین شاخص مسئولیت پذیری دارای بیشترین میانگین

محاسبه شده است و پس از آن شاخص پاسخگو و شفاف بودن قرار دارد. در پاسخ های دهیاران شاخص های مشارکتی بودن تصمیم گیری، تفویض اختیار به دیگران و مشارکتی عمل کردن دارای کمترین میانگین های محاسبه شده هستند تا بتوان گفت که دهیاران منطقه آگاهی و علاقه چندانی به اتخاذ روش های مشارکتی و غیرمتمرکزانه ندارد؛ هرچند که در مصاحبه با دهیاران آنها سطح پایین تحصیلات مردم محلی و یکدست و یک رای نبودن آنها را عامل های اصلی این امر می دانستند. از سویی دیگر یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل پاسخ های مردم محلی نیز در پاسخ به سوال دوم پژوهش مبنی بر میزان اعتقاد مردم محلی در ارتباط با وضعیت آگاهی دهیاران از اصول نوین مدیریت روستایی نشان می دهد که آنها به آگاهی دهیاران از اصول نوین مورد سنجش مدیریت روستایی معتقد نیستند. شاخص حفظ و رعایت امانت، اسرار، حقوق مردم، منافع، ارزش ها و سنن روستائیان از سوی دهیاران دارای بیشترین میانگین محاسبه شده و شاخص تشکیل و راه اندازی و تقویت سازمان های محلی و نهادهای مدنی دارای کمترین میانگین محاسبه شده است. علاوه بر شاخص تشکیل و راه اندازی و تقویت سازمان های محلی و نهادهای مدنی در شاخص های تفویض قدرت و اختیار و پاسخگویی و شفافیت نیز پاسخ های مردم محلی به میزان آگاهی دهیاران روستاهایشان، دارای کمترین میانگین های محاسبه شده می باشد، تا در تطبیق با نتایج پاسخ های دهیاران در این شاخص ها بتوان گفت دهیاران منطقه به اصول نوین مدیریت روستایی در زمینه شاخص های مشارکتی آگاهی چندانی ندارند. در نهایت به منظور پاسخگویی به سوال سوم پژوهش مبنی بر یکسان بودن اعتقاد دو گروه دهیاران و مردم محلی در ارتباط با میزان آگاهی دهیاران در ارتباط با اصول نوین مدیریت روستایی، نتایج تجزیه و تحلیل پاسخ های دو گروه نشان داد که دو گروه در ارتباط با میزان آگاهی دهیاران از اصول نوین مدیریت روستایی دیدگاه یکسانی نداشته و مردم محلی برخلاف دهیاران معتقدند که دهیاران از اصول نوین مدیریت روستایی آگاهی مطلوبی ندارند. باتوجه به نتایج پژوهش راهکارهای زیر می توانند راهگشای مطلوبی در راستای برون رفت از وضعیت موجود و حرکت دهیاران به سمت آشنایی و عملکرد بر اصول نوین مدیریت روستایی باشد:

- ظرفیت سازی در دهیاران برای تحقق اصول مدیریت نوین از جمله مشارکت، افزایش اثربخشی و کارایی، تفویض اختیار، سیستمی عمل کردن و.. از طریق برگزاری جلسات متعددی از سوی بخشداری با حضور دهیاران و توزیع بروشورها و کتاب هایی که مشارکتی اداره کردن روستاها و چگونگی اصول تفویض اختیار را به دهیاران بیاموزد.

- بهینه سازی و استانداردسازی آموزش دهیاران از سوی استانداری ها و بخشداری ها

- تقویت نظام پژوهش در دهیاری ها

- آموزش مردم محلی از طریق آگاهان محلی، توزیع بروشور و تهیه برنامه های رادیویی از رسانه های محلی در راستای

تشویق آنها به مشارکت در فرایند مدیریت نوین روستایی

- حمایت از توسعه و تشکیل نهادهای مردم نهاد روستایی در عرصه مدیریت و توسعه روستایی

منابع و مآخذ

- ۱- آزادی، سعید(۱۳۹۱) مدیریت روستایی با تاکید بر نقش دهیاری ها در توسعه پایدار روستایی، دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گیلان، جهاد دانشگاهی واحد استان گیلان.
- ۲- آسایش، حسین (۱۳۸۵) اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳- بدری، سید علی (۱۳۹۱) چالش های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست های راهبردی، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۴۷-۱۶۲.
- ۴- جاجرمی، حسین (۱۳۸۸) چالش های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۱۴-۸۹.
- ۵- حسینی ابری، سید حسین(۱۳۸۰) مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۶- حیدری ساربان، وحید(۱۳۹۴) عوامل بهبود مدیریت توسعه روستایی از دید مردم محلی(مطالعه موردی : شهرستان مشکین شهر)، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۴، صص ۱۰۹-۹۱.
- ۷- خالدی، اسماعیل(۱۳۹۱) نقش بازارچه های مرزی در توسعه پایدار نواحی روستایی(مطالعه موردی: دهستان ننور شهرستان بانه)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان.
- ۸- خباززاده، نسیم(۱۳۹۳) بررسی مدیریت روستایی در ایران با تاکید بر عملکرد شوراهای ماهنامه دهیاری ها، شماره ۳۵، صص ۳۴-۴۲.
- ۹- رشید پور، لقمان(۱۳۸۹) نقش مدیریت مبتنی بر مشارکت محلی در فرایند توسعه پایدار روستایی استان آذربایجان غربی، پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۴، صص ۴۵-۳۱.
- ۱۰- رضوانی، محمد رضا،(۱۳۸۸) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس. تهران
- ۱۱- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۸۸) ، باز آفرینی مدیریت توسعه روستایی در ایران، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، تهران
- ۱۲- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و همکاران(۱۳۹۱) ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال هشتم، شماره دوم، صص ۲۸-۱.
- ۱۳- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید(۱۳۸۶) نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیرگذار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۲۵-۲.
- ۱۴- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح(۱۳۸۵) فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان کردستان شهرستانهای مریوان و سقز، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران

- ۱۵- سعیدی، پرویز(۱۳۸۸) نقش مدیریت نوین روستایی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال روستایی، نشریه راهبرد یاس، شماره ۱۹، صص ۱۸۵-۱۷۱.
- ۱۶- شفیعی، بهمن(۱۳۹۲) مدیریت روستایی در ایران و نقش دهیاری ها در چگونگی روند توسعه روستایی، اولین همایش ملی گیاهان دارویی و کشاورزی پایدار، تهران
- ۱۷- عزمی، آئیژ، و ایمانی، بهرام(۱۳۹۰) وضعیت کنونی وموانع پیش روی مدیریت روستایی ایران(مطالعه موردی: بخش گرگانرود شهرستان تالش)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، شماره ۳۲، صص: ۸۳-۹۵.
- ۱۸- عنابستانی، علی اکبر و جوانشیری، مهدی(۱۳۹۱) عوامل موثر بر عملکرد دهیاران و نقش آن در توسعه سکونتگاه های روستایی(مطالعه موردی: شهرستان خواف)، دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گیلان، جهاد دانشگاهی واحد استان گیلان.
- ۱۹- فیروزآبادی، احمد و جاجرمی، حسین(۱۳۹۱) وضعیت رضایت روستاییان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری ها(مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین)، پژوهش های روستایی، سال سوم، شماره یکم، صص ۹۱-۶۱.
- ۲۰- لطیفه، ناهید(۱۳۹۱) جایگاه مدیریت نوین روستایی در برنامه های توسعه(مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهریار)، صص ۱۶-۱. همایش ملی توسعه روستایی، دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گیلان، جهاد دانشگاهی واحد استان گیلان.
- ۲۱- محمدی یگانه، بهروز، عینالی، جمشید و چراغی، مهدی(۱۳۹۱) تحلیلی بر موانع اقتصادی اجتماعی مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی(مطالعه موردی: دهستان لیستر شهرستان گچساران)، فصلنامه فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۰۹
- ۲۲- مولایی هسجین، نصرالله(۱۳۹۱) ارائه مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان، همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.
- ۲۳- مهدوی، داود و کریمی، زیور(۱۳۹۱) تدوین الگوی مطلوب مدیریت نوین توسعه روستایی ایران، گاهنامه پژوهشی دانشگاه پیام نور استان چهارمحال بختیاری، شماره ششم، صص ۱۶-۱.
- ۲۴- مهدوی، مسعود(۱۳۸۴) دهیاری ها تجربه ای دیگر در مدیریت روستایی ایران، پژوهش های روستایی، شماره ۵۳، صص ۳۹-۲۱.
- ۲۵- نعمتی، مرتضی و بدری، سیدعلی(۱۳۸۶) ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی(مقایسه تطبیقی دهیاری های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ، مطالعه موردی: استان گلستان)، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۹، صص ۱۶۱-۱۷۶.

- ۲۶- Abraham,Ansu,(۲۰۱۳)Strengthening Rural Management Education in India, Strengthening Rural Management Education in India. Business Frontiers, ۴(۱), ۱-۸.
- ۲۷- Anderson,Jock,(۲۰۰۱),Risk Management in Rural Development, Rural Development Strategy Background Paper ۷,The World Bank Rural Development Family.
- ۲۸-Atkociuniene,Vilma,(۲۰۱۴),THE INNOVATIVE MANAGEMENT PRINCIPLESDEVELOPMENT, European Scientific Journal ,edition vol. ۱۰, No.۷,۱۰۰-۱۱۷.
- ۲۹- Joshi, Madhavi and Shailaja, Ravindranath(۲۰۰۷),Sustainable Development: An Introduction, Internship Series, (CEE) (SDC) (SAYEN), Volume-I
- ۳۰- Nnia,Ike,(۲۰۱۳),Diversity in the Concept of Management: Different Style and Difference Ethics, American Journal of Humanities and Social Sciences,Vo۱. ۱, No. ۳, ۲۰۱۳, ۱۴۴-۱۵۰.
- ۳۱- Pahuja,Heena,(۲۰۱۵),workers participation management in India, International Journal of Science, Technology & Management, Volume No ۰۴, Special Issue No. ۰۱.
- Subedi, Krishna,(۲۰۱۲) , modern concept of management, at: www.landcoalition.org